خبر

نامه رئیس کمیته ملی المپیک به رهبر معظم انقلاب

مدال‌های ایران، هدیه به ملت

محمود خسروی وفا با ارسال نامه‌ای محضر رهبر معظم انقلاب، گزارشی از افتخارآفرینی ورزشکاران کاروان فرشتگان میناب اعزامی به بازی‌های آسیایی ناگویا خدمت ایشان ارائه داد.

به نقل از کمیته ملی المپیک، متن نامه رئیس کمیته ملی المپیک به رهبر معظم انقلاب به شرح زیر است:

محضر مبارک حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران (مدّ ظله العالی)

با دلی لبریز از عشق و سربلندی، حسب وظیفه بر خود واجب دانستم تا گزارش حضور کاروان ورزشی ایران را در بیستمین دوره بازی‌های آسیایی به پیشگاه رهبر عزیز و مقتدر انقلاب تقدیم کنم.

نام کاروان ما در این دوره «فرشتگان میناب» بود (شهدای مدرسه شجره طیبه میناب). این فرشتگان کوچک، فرزندان قائد شهید بودند و یاد و نامشان بر دل همه ما سنگینی می‌کرد. هر ورزشکار ما با این نام بر تن، پا به میدان گذاشت و گویی بار امانتی را بر دوش داشت.

می‌خواستند با هر مدال، لبخندی بر لب خانواده‌های داغدار بنشانند و نتیجه‌ای بگیرند که حتی از دوره‌هایی که کشور درگیر جنگ نبود بهتر باشد. عزیزانی که نزدیک به یک سال در خیابان‌ها و میادین، شانه‌به‌شانه مردم ایستاده بودند، در سخت‌ترین روزهای تهاجم وحشیانه رژیم‌های آمریکا و اسرائیل نیز دست از کار نکشیدند.

علی‌رغم جنگ و تهدیدها، این سربازان و جان‌فدایان ایران تمرین‌هایشان را در هر شرایطی ادامه دادند و اردوهایشان را برگزار کردند، تا امروز بتوانند این افتخارات را برای ملت ایران رقم بزنند.

بانوان کاروان با حجاب اسلامی؛ وقار و متانت و در اوج اقتدار، مدال‌های ارزشمندی را به نام ایران ثبت کردند و نشان دادند که زن ایرانی در میدان ورزش نیز الگوی عزت و استقامت است.

کاروان ما نسبت به دوره پیشین تعداد مدال‌های طلای بیشتری کسب کرد و جایگاهی رفیع‌تر بدست آورد. از نظر تعداد و جمعیت ورزشکاران، کاروان ایران چهاردهمین کاروان در بین ۴۵ کشور شرکت کننده در بازی‌ها بود، اما در جدول نتایج در میان شش کشور برتر آسیا ایستاد؛ یعنی با جمعیتی کوچک‌تر، جایگاهی بزرگ‌تر را از آنِ ایران کرد. این جایگاه نشان می‌دهد که هر یک از این عزیزان بیش از سهم خود در میدان جانفشانی کرده‌اند.

هر کدام از این مدال‌ها را ورزشکاران ما با اشک شوق و با یاد شهدا برگردن آویختند و من این مدال‌ها را هدیه‌ای ناچیز به پیشگاه ملت بزرگ ایران و خانواده‌های معزز شهدا می‌دانم.

سربازان ایران، یعنی ورزشکاران کاروان «فرشتگان میناب»، اعلام می‌کنند که از این پس نیز در هر میدانی، چه کف خیابان، چه جبهه‌های جنگ و چه میادین ورزشی، آماده‌اند در کنار مردم باشند و برای عزت و سربلندی ایران عزیز جانفشانی کنند. ما سربازان و جان‌فدایان ایرانیم.

این افتخار را به رهبر معظم انقلاب، به خانواده‌های شهدا، به ملت بزرگ و شریف ایران و به همه ورزشکاران و مربیان و پشتیبانان کاروان به‌ویژه دولت خدوم و مردمی تبریک می‌گوییم.

با دعای شما و حمایت مردم، ورزشکاران ایران اسلامی همچنان در همه میدان‌ها سرافراز خواهند بود.

فوتسال

نتایج هفته هفتم لیگ برتر

تداوم نتایج خوب گهر زمین

هفته هفتم لیگ برتر فوتسال با نتایجی همراه شد که معادلات بالای جدول را تغییر داد. گهرزمین سیرجان با پیروزی برابر پالایش نفت بندرعباس به صدر جدول رسید، گیتی‌پسند اصفهان در خانه از سد نگین تندیس قرچک گذشت و مس سونگون ورزقان یکی از سنگین‌ترین شکست‌های فصل را تجربه کرد. گهرزمین در هرمزگان با تک‌گل مهدی مهدی‌خانی مقابل پالایش نفت بندرعباس به برتری رسید تا با ۱۹ امتیاز به‌تنهایی صدرنشین شود. بندرعباسی‌ها با وجود این شکست، با ۱۶ امتیاز همچنان در رده دوم قرار دارند. گیتی‌پسند نیز در دیداری نزدیک، نگین تندیس قرچک را ۳بر۲ شکست داد تا سه امتیاز دیگر به حسابش اضافه شود. در قم اما نتیجه‌ای متفاوت رقم خورد؛ دلسوختگان قم با ۴گل مس سونگون ورزقان را شکست داد تا تیم تبریزی با یک باخت سنگین زمین را ترک کند.

پالایشگاه نفت شازند نیز در یکی از نتایج مهم هفته، پالایش نفت بندرعباس را با ۴گل شکست داد و نخستین باخت فصل را به این تیم تحمیل کرد. شازندی‌ها با این پیروزی ۱۳امتیازی شدند و در رتبه سوم جدول قرار گرفتند. در پایین جدول، تغییر روی نیمکت دائم‌پناه مشهد نیز فعلاً نتیجه‌ای به همراه نداشته است. این تیم در خانه مقابل پالایش نفت اصفهان شکست خورد تا همچنان با سه امتیاز در جمع تیم‌های انتهای جدول باقی بماند. فولاد زرند ایرانیان نیز پس از شکست هفته گذشته مقابل پردیس، این بار در خانه به پیروزی رسید. شهرآورد ساوه میان شهرداری ساوه و سن‌ایچ نیز مانند فصل گذشته با تساوی به پایان رسید و دو تیم به نتیجه ۲بر۲ رضایت دادند. در پایان هفته هفتم، گهرزمین با ۱۹امتیاز صدرنشین است و پالایش نفت بندرعباس و پالایشگاه نفت شازند در رده‌های دوم و سوم قرار دارند. پردیس همچنان بدون امتیاز قعرنشین است. در این هفته ۲۷گل به ثمر رسید و گهرزمین و دلسوختگان قم موفق شدند دروازه خود را بسته نگه دارند.

تغییر در رأس کمیته صدور مجوز حرفه‌ای و انتصابی که برای فوتبالی‌ها عجیب بود

کامبک جنجالی ساکت به سئول

گزارش یک

انتصاب محمدرضا ساکت به ریاست کمیته صدور مجوز حرفه‌ای فدراسیون فوتبال، در شرایطی انجام شده که این کمیته قرار است یکی از مهم‌ترین ابزارهای اصلاح ساختار مالی باشگاه‌های فوتبال ایران را در اختیار داشته باشد. ساکت جانشین مصطفی زارعی شده؛ مدیری که به‌تازگی از این مسئولیت کنار رفت و اکنون مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال برای این جایگاه سراغ یکی از چهره‌های باسابقه مدیریتی فوتبال ایران رفته است.

مسأله اصلی اما صرفاً سابقه حضور ساکت در فوتبال نیست، بلکه تناسب کارنامه و تخصص او با مسئولیتی است که برعهده گرفته؛ مسئولیتی که قرار است شفافیت مالی را از یک شعار تکراری به معیاری الزام‌آور برای باشگاه‌ها تبدیل کند. کمیته صدور مجوز حرفه‌ای صرفاً یک واحد اداری برای دریافت مدارک و بررسی پرونده باشگاه‌ها نیست. بررسی صورت‌های مالی، ارزیابی توانایی باشگاه‌ها برای پرداخت تعهدات، تطبیق اسناد با الزامات کنفدراسیون فوتبال آسیا و شناخت مقررات بین‌المللی، بخشی از وظایف پیچیده این مجموعه است. چنین جایگاهی به مدیری نیاز دارد که علاوه بر شناخت ساختار فوتبال، توانایی تعامل حرفه‌ای با حسابرسان، متخصصان مالی و حقوقی و نهادهای بین‌المللی را داشته باشد. تسلط به زبان انگلیسی نیز برای پیگیری دقیق مقررات، مکاتبات و الزامات بین‌المللی اهمیت دارد. در خبر معرفی ساکت، توضیح روشنی درباره سوابق تخصصی او در حوزه حسابرسی، مدیریت مالی یا توانایی‌های زبانی متناسب با این مسئولیت ارائه نشده است. همین مسأله پرسش مهمی را پیش روی فدراسیون قرار می‌دهد، معیارهای انتخاب رئیس جدید کمیته چه بوده و این معیارها تا چه اندازه با ماهیت تخصصی این مسئولیت انطباق داشته است؟

کارنامه‌ای که نیازمند توضیح است

ساکت برای فوتبال ایران چهره‌ای ناشناخته نیست. او سابقه مدیریت باشگاه سپاهان، حضور در دبیرکلی فدراسیون فوتبال و فعالیت در ساختار مدیریتی تیم‌های ملی را دارد. این سوابق بدون تردید می‌تواند در شناخت مناسبات اداری و اجرایی فوتبال یک امتیاز محسوب شود، اما تجربه مدیریتی به‌تنهایی پاسخگوی تمام نیازهای کمیته‌ای نیست که باید درباره وضعیت مالی باشگاه‌ها تصمیم‌گیری کند.

بازگشت ساکت به یک مسئولیت تازه در فدراسیون، ضرورت شفاف‌سازی درباره برخی پرونده‌های گذشته را نیز مطرح می‌کند. خبرگزاری تسنیم پیش‌تر گزارش داده بود که سازمان بازرسی کل کشور سال ۱۴۰۱، در پرونده‌ای مربوط به دریافت مبالغی از فدراسیون فوتبال، ساکت را به بازگرداندن ۴۵۰میلیون ریال، ۵۵هزار و ۶۰۰دلار و ۳۷هزار و ۶۷۰یورو محکوم کرده بود. طرح این موضوع به معنای نادیده گرفتن جزئیات حقوقی پرونده یا وضعیت اجرای حکم نیست، بلکه ضرورت پاسخگویی شفاف درباره سوابق مدیریتی افرادی را یادآوری می‌کند که قرار است در جایگاهی با مسئولیت نظارتی و مالی فعالیت کنند.

فیرپلی مالی؛ از وعده تا ضمانت اجرا

مهدی تاج در ماه‌های اخیر بارها از اجرای فیرپلی مالی و ضرورت انتشار صورت‌های مالی باشگاه‌ها سخن گفته است. او با اشاره به ناکامی سقف بودجه در مهار زیان انباشته بر ضرورت ایجاد سازوکاری برای نظارت بر عملکرد مالی باشگاه‌ها تأکید کرده و از برخورد با تخلف‌ها از طریق ضمانت‌های اجرایی و جریمه مالی تا کسر امتیاز سخن گفته است.

اجرای چنین برنامه‌ای اما صرفاً با تدوین مقررات و تعیین جریمه محقق نمی‌شود. فیرپلی مالی زمانی می‌تواند به یک سازوکار واقعی نظارتی تبدیل شود که اطلاعات مالی باشگاه‌ها در دسترس باشد، ارقام درآمد و هزینه قابلیت راستی‌آزمایی داشته باشند و مقررات برای همه باشگاه‌ها با معیارهای یکسان اجرا شود. بدون دسترسی به اسناد معتبر، ارزیابی زیان انباشته، بدهی‌ها، تعهدات جاری و توان واقعی باشگاه‌ها نیز با محدودیت مواجه خواهد شد.

برای نمونه باشگاه استقلال، یکی از مواردی است که این مسأله را برجسته می‌کند. گزارش‌های منتشرشده درباره این باشگاه از تأخیر در ارائه برخی صورت‌های مالی و اطلاعات دوره‌ای در سامانه کدال حکایت دارد؛ موضوعی که حتی واکنش فرابورس را نیز به‌دنبال داشته است. البته میان منتشر نشدن تمام صورت‌های مالی و تأخیر در انتشار گزارش‌های مشخص باید تفاوت قائل شد. همین تفاوت نشان می‌دهد که فدراسیون و سازمان لیگ باید درباره وضعیت مالی هر باشگاه، نوع تخلف، مهلت قانونی و پیامد آن اطلاعات دقیق و قابل استنادی ارائه کنند.

ابهام‌هایی که کمیته باید برطرف کند

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ساکت، روشن کردن سازوکار تصمیم‌گیری کمیته است. چه میزان از اطلاعات مالی باشگاه‌ها باید عمومی شود؟ چه نهادی صحت صورت‌های مالی ارائه‌شده را تأیید می‌کند؟ نقش حسابرسان مستقل در این فرایند چیست؟ کمیته چگونه میان یک نقص شکلی در پرونده و یک تخلف مؤثر مالی تفاوت می‌گذارد؟ آیا معیارهای ارزیابی برای همه باشگاه‌ها یکسان است و نتیجه بررسی پرونده‌ها تا چه اندازه برای افکار عمومی قابل دسترسی خواهد بود؟

پاسخ به این پرسش‌ها اهمیت زیادی دارد، زیرا اعتبار مجوز حرفه‌ای فقط به صدور یا عدم صدور مجوز محدود نمی‌شود. اعتبار این فرایند به شفافیت معیارها، استقلال بررسی‌ها و قابلیت دفاع از تصمیم‌های اتخاذ شده نیز وابسته است. اگر باشگاهی به‌دلیل نقص مالی با محدودیت مواجه می‌شود، باید مشخص باشد که این تصمیم براساس کدام مقررات و مستندات اتخاذ شده است. در مقابل، اگر باشگاهی از الزامات عبور می‌کند، باید امکان توضیح و راستی‌آزمایی این انطباق وجود داشته باشد.

مأموریت سخت ساکت

اکنون انتصاب ساکت با مأموریتی فراتر از مدیریت یک کمیته اداری همراه است. او باید نشان دهد که کمیته صدور مجوز حرفه‌ای قرار نیست صرفاً مدارک باشگاه‌ها را در پایان مهلت دریافت و درباره صدور مجوز تصمیم‌گیری کند، بلکه می‌تواند روند مالی باشگاه‌ها را با معیارهایی روشن، تخصصی و یکسان ارزیابی کند.

انتشار دستورالعمل‌های قابل فهم، اعلام دقیق وضعیت انطباق باشگاه‌ها، مشخص کردن پیامدهای تخلف، تقویت حضور متخصصان مالی و حقوقی، استفاده از حسابرسان مستقل و پاسخگویی درباره نحوه رسیدگی به پرونده‌ها می‌تواند بخشی از این مسیر باشد. در نهایت، موفقیت ساکت در این مسئولیت نه با عنوان مدیریتی او، بلکه با کیفیت عملکرد کمیته‌ای سنجیده خواهد شد که قرار است میان فوتبال حرفه‌ای و الزامات مالی آن پیوند برقرار کند.

اگر قرار است فیرپلی مالی از سطح وعده عبور کند، کمیته صدور مجوز حرفه‌ای باید بتواند ثابت کند که مقررات برای همه باشگاه‌ها یکسان است، اطلاعات مالی قابل راستی‌آزمایی است و تصمیم‌های آن بر پایه معیارهای روشن و قابل دفاع اتخاذ می‌شود. این همان آزمونی است که اکنون پیش روی ساکت و فدراسیون فوتبال قرار گرفته است.

> سازمان بازرسی کل کشور سال ۱۴۰۱، در پرونده‌ای مربوط به دریافت مبالغی از فدراسیون فوتبال، ساکت را به بازگرداندن ۴۵۰میلیون ریال، ۵۵هزار و ۶۰۰دلار و ۳۷هزار و ۶۷۰یورو محکوم کرده بود



عکس: فدراسیون فوتبال

بلاتکلیف‌ترین تیم جهان در بازی‌های دوستانه

سومین بازی ایران، بدون اردو

نکته روز

پنجره سپتامبر-اکتبر امسال که با تصمیم فیفا به یک بازه طولانی‌تر برای مسابقات ملی تبدیل شده، از ۲۱ سپتامبر تا ۶ اکتبر ادامه دارد و هر تیم ملی در این فاصله امکان برگزاری حداکثر چهار مسابقه را دارد. برای تیم ملی ایران اما این فرصت چهار بازی فعلاً به دو مسابقه ختم شده؛ شکست برابر ازبکستان در فرغانه و روسیه در کازان. حالا فدراسیون فوتبال در حالی به دنبال برگزاری سومین دیدار است که تنها چند روز تا پایان این پنجره باقی مانده و بخش مهمی از بازیکنان ملی‌پوش، چه داخلی و چه لژیونر، عملاً از فضای تیم ملی خارج شده‌اند. مسأله مهم این است که اصلاً برگزاری چنین مسابقه‌ای با چه سازوکاری قرار است انجام شود؟ امیرمهدی علوی، سخنگوی فدراسیون فوتبال، از احتمال برگزاری دیداری در ورزشگاه یادگار امام تبریز برابر حریفی از آفریقا صحبت کرده، اما با توجه به زمان باقی‌مانده و شرایط موجود، اجرایی شدن این سناریو با ابهام جدی روبه‌رو است.

ماجرا زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم بازیکنان داخلی نیز به باشگاه‌های خود برگشته‌اند. در همین فاصله، باشگاه‌ها باید خودشان را برای ادامه لیگ آماده کنند و طبق برنامه رسمی سازمان لیگ، هفته هشتم از ۱۶ مهر آغاز می‌شود. در همین هفته، تراکتور و استقلال نیز پنجشنبه ۱۶ مهر در تبریز مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ مسابقه‌ای که طبیعتاً حضور بازیکنان ملی‌پوش دو تیم در آن اهمیت ویژه‌ای دارد.

اگر قرار است بازی سوم در همین پنجره برگزار شود، بازیکنان چه زمانی دوباره به تیم ملی ملحق خواهند شد؟ اگر اردو دوباره تشکیل نشود، این مسابقه اساساً چه چیزی را برای کادر فنی قلعه‌نویی آزمایش خواهد کرد؟ و اگر قرار باشد سرمربی تیم ملی فهرست جدیدی از بازیکنان داخلی ارائه دهد، آن وقت این دیدار بیشتر شبیه یک اردوی کوتاه‌مدت خواهد بود تا مسابقه‌ای که در چهارچوب برنامه آماده‌سازی جام ملت‌های آسیا تعریف شده است.

از طرف دیگر، اگر لژیونرها در اختیار نباشند، ارزش فنی چنین مسابقه‌ای برای تیم ملی نیز محل سؤال خواهد بود. قلعه‌نویی در دو بازی قبلی فرصت کار با ترکیب اصلی را داشت، اما حالا ممکن است سومین مسابقه با ترکیبی متفاوت و بدون بخش مهمی از بازیکنان اصلی برگزار شود. پنجره‌ای که قرار بود طولانی‌ترین فرصت برای آماده‌سازی تیم‌های ملی باشد، برای ایران به مسابقه‌ای در فرغانه و مسابقه‌ای در کازان ختم شده و حالا فدراسیون در روزهای پایانی می‌خواهد بازی سوم را هم به هر شکل ممکن به برنامه اضافه کند. پرسش اینجاست که اگر برای برگزاری آن حتی فرصت تشکیل یک اردوی واقعی وجود ندارد، این مسابقه دقیقاً قرار است چه مسأله‌ای از تیم ملی را حل کند؟

کمک‌های فیفا به فدراسیون فوتبال در چه زمینه‌ای هزینه شد؟

۵ میلیون دلار گمشده!

سوژه

برنامه «فورووارد» فیفا با هدف توسعه فوتبال در کشورهای عضو، افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و حمایت از پروژه‌های فوتبالی اجرا می‌شود. فیفا در نسخه سوم این برنامه، موسوم به فورووارد۳، برای چرخه چهارساله منتهی به پایان سال ۲۰۲۶، افزایش نزدیک به ۳۰درصدی سرمایه‌گذاری در توسعه فوتبال را در نظر گرفته است. این برنامه علاوه بر تأمین منابع مالی، بر دستیابی به اهداف مشخص، نظارت بر نحوه هزینه‌کرد و ارزیابی آثار پروژه‌ها تأکید دارد. براساس سازوکار فورووارد۳، فیفا و هر فدراسیون عضو یا کنفدراسیون درباره اهداف و پروژه‌های مورد توافق قرارداد منعقد می‌کنند و استفاده از منابع نیز تحت نظارت قرار می‌گیرد. حالا اطلاعات منتشرشده در صفحه رسمی فیفا درباره ایران، پرسش‌هایی درباره محل ثبت و سرنوشت بخشی از این منابع ایجاد کرده است. طبق این اطلاعات، مجموع بودجه متعهدشده برای پروژه‌های فوتبال ایران حدود ۵.۲میلیون دلار است؛ رقمی که یک‌میلیون و ۵۷۴هزار دلار آن به زیرساخت اختصاص دارد و بیش از ۳.۶میلیون دلار در بخش «سایر پروژه‌ها» ثبت شده است. در فهرست زیرساختی نیز یک مرکز فنی و ۲زمین فوتبال دیده می‌شود، در حالی که تعداد ورزشگاه‌ها و ساختمان‌های اداری فدراسیون صفر اعلام شده است. تاج اول مهر ۱۴۰۲ گفته بود، فیفا قرار است منابع برنامه فورووارد را برای ۲پروژه، یعنی زمین شماره یک ورزشگاه آزادی و ساختمان اداری فدراسیون فوتبال اختصاص دهد. او با اشاره به عقب‌ماندگی ایران از این برنامه گفته بود: «با ۲پروژه ۴میلیون دلار طلبکار شویم»؛ ضمن اینکه تأکید کرده بود این پول در حساب بلوکه خواهد شد. با این حال در جدول فعلی فیفا، نام ساختمان اداری فدراسیون در بخش زیرساخت دیده نمی‌شود و تعداد ورزشگاه‌ها نیز صفر است. این تفاوت لزوماً به معنای اختصاص نیافتن یا از بین رفتن منابع نیست؛ چراکه میان اعتبار متعهدشده، وضعیت پرداخت و ثبت نهایی یک پروژه تفاوت وجود دارد. اما همین اختلاف، ضرورت توضیح درباره وضعیت ۲پروژه اعلام‌شده را بیشتر می‌کند.

نکته دیگر، سهم حدود ۷۰درصدی بخش «سایر پروژه‌ها» از کل بودجه ثبت‌شده است؛ بخشی که بدون جزئیات بیشتر، تصویر روشنی از محل هزینه‌کرد منابع ارائه نمی‌کند. همچنین در جدول منتشرشده، مبلغی برای حمایت از تیم ملی و برگزاری مسابقات ثبت نشده است. فدراسیون فوتبال باید با انتشار جزئیات قراردادها، وضعیت پرداخت‌ها و گزارش پیشرفت پروژه‌ها، فاصله میان وعده سال ۱۴۰۲ و آمار فعلی فیفا را روشن کند. وقتی هدف برنامه فورووارد، توسعه فوتبال با نظارت مالی و پاسخگویی است، شفافیت درباره محل مصرف منابع نیز بخشی از همان تعهد محسوب می‌شود.

مسئولان هیأت رئیسه در آستانه تصمیم بزرگ

صندلی تیم امید به مربی خارجی می‌رسد؟

جنجال روز

استعفای حسین عبدی از سرمربیگری تیم امید، فدراسیون فوتبال را وارد مرحله تازه‌ای از تصمیم‌گیری کرده است.

در جلسه اخیر هیأت‌رئیسه، تصمیم بر این شده که هریک از اعضا گزینه‌های مدنظر خود را برای هدایت تیم امید به فدراسیون معرفی کنند تا پس از بررسی پیشنهادها، جمع‌بندی نهایی انجام شود. تعدادی از اعضا گزینه‌های خود را معرفی کرده‌اند و قرار است سایر اعضا نیز طی امروز و فردا پیشنهادهایشان را ارائه کنند. به این ترتیب، مهلت ۴۸ساعته‌ای که سخنگوی فدراسیون فوتبال درباره تعیین تکلیف نیمکت تیم امید مطرح کرده، بیش از آنکه به معنای انتخاب قطعی سرمربی باشد، به مرحله معرفی گزینه‌ها و بررسی آنها مربوط است. این تفاوت اهمیت زیادی دارد؛ چراکه معرفی چند نام به فدراسیون، لزوماً به معنای نزدیک شدن به انتخاب نهایی نیست. هیأت‌رئیسه در شرایطی باید درباره جانشین عبدی تصمیم بگیرد که تیم امید برای رسیدن به اهداف خود، بیش از یک انتخاب عجولانه به برنامه‌ای روشن، کادرفنی هماهنگ و فرصت کافی برای آماده‌سازی نیاز دارد. بنابراین، سرعت در انتخاب سرمربی زمانی ارزشمند خواهد بود که با بررسی دقیق سوابق، شناخت گزینه‌ها از فوتبال ایران و مشخص بودن برنامه آنها برای تیم امید همراه شود.

بازگشت به مربیان خارجی؛ راهی که قبلاً هم امتحان شده است

در میان گزینه‌های مطرح‌شده از سوی اعضای هیأت‌رئیسه، نام چند مربی ایرانی در کنار گزینه‌های خارجی دیده می‌شود. افشین قطبی که پیش از این به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی مطرح شده بود از فهرست انتخاب خارج شده است؛ اما حضور نام مربیان خارجی در فهرست‌های پیشنهادی نشان می‌دهد که استفاده از تجربه یک مربی غیرایرانی همچنان یکی از مسیرهای مورد بررسی فدراسیون است. البته فوتبال ایران پیش از این نیز بارها به سراغ مربیان خارجی برای هدایت تیم امید رفته، اما این انتخاب‌ها نتوانسته‌اند طلسم ناکامی‌های این تیم را بشکنند. نلو وینگادا، مربی پرتغالی، در سال ۱۳۹۳ هدایت امیدهای ایران را برعهده گرفت. تیم او در مسابقات قهرمانی زیر ۲۲سال آسیا در عمان به مرحله نیمه‌نهایی نرسید و پس از ناکامی در کسب نتیجه مورد انتظار، همکاری با او ادامه پیدا نکرد؛ تیم او همچنین در مرحله گروهی بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ نیز از مسابقات کنار رفت. پیش از وینگادا نیز افرادی مانند همایون شاهرخی و غلامحسین پیروانی روی نیمکت این تیم نشسته بودند؛ تغییراتی که نتوانستند مشکل دیرینه فوتبال ایران در رده امید را برطرف کنند. در دوره‌های بعد، زلاتکو کرانچار، سرمربی کروات، نیز هدایت تیم امید را برعهده گرفت. او در سال ۱۳۹۷ به این سمت رسید و در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا روی نیمکت تیم امید نشست اما نتیجه حضور او، چیزی جز ناکامی و حذف زودهنگام از رقابت‌ها نبود. این نتیجه بار دیگر نشان داد که نام و سابقه بین‌المللی یک مربی، به‌تنهایی تضمینی برای موفقیت در تیم امید نیست. در میان تجربه‌های خارجی، سیموئز برزیلی نیز در مقطعی در ساختار فنی فوتبال ایران حضور داشت و با تیم‌های پایه همکاری کرد؛ تجربه‌ای که مانند دیگر تغییرات روی نیمکت امیدها، به حل ریشه‌ای مشکلات این رده منجر نشد هرچند با کسب مدال برنز در بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه همراه بود. مجموعه این سوابق نشان می‌دهد که مسأله تیم امید صرفاً انتخاب ملیت سرمربی نیست؛ بلکه کیفیت برنامه‌ریزی، ثبات مدیریتی و هماهنگی میان تیم‌های پایه و بزرگسالان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اکنون توپ در زمین هیأت‌رئیسه فدراسیون فوتبال است. اعضا باید از میان گزینه‌های ایرانی و خارجی فردی را انتخاب کنند که علاوه بر توانایی فنی، برنامه‌ای مشخص برای ساختن یک تیم رقابتی داشته باشد.

